

تربیت خاشعانه مؤمنان براساس آموزه های سوره حشر

خدیده احمدی بیغش* | اشرف غفاری**

چکیده

یکی از مفاهیم ارزشی و اخلاقی قرآن کریم، خشیت از خداوند متعال است. خشیت ترس ارادی از روی علم و معرفت، همراه با تعظیم برای پروردگار است، که فرد را به فروتنی در برابر خداوند متعال وامی دارد. تربیت خاشعانه، عبودیت محض در برابر خداوند و درک عظمت او به مقتضای علم است که منجر به ربوبیت الهی و احساس مسئولیت در برابر او می گردد. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که خداوند متعال در سوره حشر تربیت خاشعانه مؤمنان را چگونه مطرح کرده است. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله نشان می دهد براساس آیات سوره حشر در دو بعد ایجاد و تقویت صفت خشیت، با افزایش معرفت عبد به پروردگار در مظهریت اسماء حسنی الهی، مقامات مختلف برای عبد حاصل می کند. تقویت صفت خشیت در مؤمنان با ایجاد رفتارهای ممدوح در اندیشه و رفتار فرد، تغییرات متعددی را در زندگی فردی و اجتماعی او مقدور کرده است. تربیت عبد متقی و خویشن دار، تضرع به درگاه الهی، تثبیت ایمان، شکل گیری روحیه ظلم ستیزی، قیام علیه مستبدان، از بین رفتن سنگدلی از جمله خصلت هایی است که تقویت صفت خشیت در مؤمنان را پدید می آورد.

کلیدواژه ها

تربیت خاشعانه، سوره حشر، ایجاد خشیت الهی، تقویت خشیت الهی.

* استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. تهران. ایران. (Kh.ahmadi@modares.ac.ir)
(نویسنده مسئول)

** دانش پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، موسسه علمیه قائم (عج) چیدر. تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۶/۱۶)

مقدمه

خشیت، بیم همراه با آگاهی از عظمت خداوند و نقصان بنده در برابر پروردگارش است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج. ۱، ص. ۴۹۱). خشیت به عنوان یکی از صفات برجسته مومنان، هشت بار و مشتقات آن ۴۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است. این صفت نه تنها به ترس از عذاب الهی اشاره دارد، بلکه به نوعی از احترام به جلال و عظمت پروردگار نیز نشأت گرفته است. اما خشیت الهی موضوع محوری سوره حشر است. سوره حشر پنجاه و نهمین سوره در ترتیب مصحف، صد و یکمین سوره نازل شده بعد از سوره بینه، و قبل از سوره نصر (معرفت، ۱۳۸۲، ج. ۱، ص. ۱۳۷)، حدوداً در سال چهارم یا پنجم بعد از هجرت به مدینه منوره (بلاغی، ۱۴۲۰، ج. ۸، ص. ۲۸)، در فاصله‌ای میان جنگ بدر و صلح حدیبیه، بر قلب مطهر پیامبر ﷺ نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۲۴، ص. ۳۰۴). شرایط حاکم بر زمان نزول سوره حشر حاکی از آن است که خداوند متعال تربیت خاشعانه در معارف این سوره را در دو مرحله ایجاد و تقویت صفت خشیت الهی بنا نهاده است. خداوند با بیان صفات خویش و یادآوری قدرت و تسلط‌اش بر همه موجودات، به مومنان یادآوری می‌کند که همه چیز در دست اوست، و هیچ چیز از اراده او خارج نیست. این درک از قدرت الهی می‌تواند به ایجاد خشیت در دل مومنان منجر گشته، آنان را به سمت تقوا و پرهیزگاری سوق دهد. این امر اهمیت خشیت در زندگی دینی و اجتماعی مومنان و تأثیر آن بر رفتارهای فردی و جمعی آنان را دو چندان می‌دارد. پژوهش پیش‌رو آموزه‌های سوره حشر را در ایجاد و تقویت صفت خشیت الهی در مومنان را به صورت توصیفی تحلیلی در سوالات زیر مورد مذاقه قرار داده است:

۱. تربیت خاشعانه مومنان بر اساس آموزه‌های سوره حشر چگونه ایجاد می‌گردد؟

۲. آموزه‌های سوره حشر تربیت خاشعانه مومنان را چگونه تقویت می‌دارد؟

پیشینه تحقیق

موضوع خوف و خشیت از مواردی است که بیشتر در کتب اخلاقی مانند احیای علوم الدین نوشته امام محمد غزالی، جامع السعادات نوشته مهدی نراقی، عرفان عملی در صحیفه سجاده نوشته

فاطمه رکنی یزدی، و... در ذیل مباحث اخلاقی، و نه به صورت مجزا، مورد بررسی قرار گرفته است.

از جمله مهمترین تحقیقات انجام گرفته مرتبط با موضوع تحقیق حاضر عبارت است از:

- کتاب: خشوع و خشیت دو بال عبادت، نوشته مسعود لویمی (۱۴۰۱)، به بررسی ابعاد عرفانی

خشیت الهی و مراحل معنوی سیر و سلوک، در تصوف و عرفان اسلامی، و راه کارهای ایجاد

خشیت الهی و خشوع در قرآن کریم و روایات پرداخته است.

- مقاله: بررسی نشانه‌شناختی واژه «خشوع» در قرآن کریم، نوشته ابوذر گلزار خجسته، نشریه

پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب (۱۴۰۰)، با بررسی معانی مختلف خشوع در قرآن،

خشوع چشم را دارای بیشترین فراوانی، و پس از آن خشوع نمازگزاران در مرتبه دوم دانسته است.

- مقاله: خشیت از پروردگار و ارتباط آن با درک قرآن، نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی، مجله

مطالعات تفسیری (۱۳۹۴)، مفهوم و زمینه‌های شناخت و معرفت به خشیت الهی، و راه‌های

دستیابی به ایمان در سایه خشیت را مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله: معناشناسی خشیت در قرآن کریم، احمدرضا آرام، نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی

(۱۳۹۰)، با بررسی مفهوم خشیت در قرآن، آن را حالتی درونی و قلبی معرفی کرده که در

مقابل جلال و جبروت خداوند به انسان دست داده، و با شرم و حیا و تعظیم و خشوع بر

آستان حق آشکار می‌گردد.

- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان: حوزه معنایی ترس در قرآن کریم، نوشته مریم نوری رشته

الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۹۶)، با معناشناسی خوف و خشیت،

وجل و ورع، فزع، رعب، رهب و همنشینی این لغات با مفاهیم دیگر آرای مفسران در

خصوص این لغات پرداخته، و رابطه معنایی هر یک از این واژه‌ها با یکدیگر را مورد بررسی

قرار داده است.

و تحقیقات بی‌شمار دیگر. اما تحقیقی که به تحلیل سوره حشر در تربیت خاشعانه مومنان براساس

دو بعد ایجاد و تقویت مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد.

مفهوم خشیت و تربیت خاشعانه

«خَشِیة» از ریشه «خشی» بر هراس، دهشت (ابن فارس، ۱۴۱۴، ج. ۲، ص. ۱۸۴)، و شدیدتر از آن دلالت دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج. ۱، ص. ۴۹۲). اما خوف به معنای نقصان منفعت است (جوهری، ۱۹۸۷، ج. ۶، ص. ۲۳۲۷). این واژه، هشت بار و مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن در چهار معنای خوف (مانند بقره/۷۴)، علم (مانند کهف/۸۰)، عبادت (مانند توبه/۱۸)، تقوا (مانند انبیاء/ ۴۹) به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۸). تربیت خاشعانه نوعی بیم توأم با معرفت و تعظیم در برابر پروردگار، و آگاهی به نقصان و قصور بنده می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج. ۱، ص. ۳۳۰). خشیت تألم قلبی و خوف خاصی است (حیری، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۲۳۴)، که گاه ناشی از کثرت گناهان بنده، گاه ناشی از آگاهی وی به جلال و عظمت پروردگار است (جرجانی، ۱۳۷۰، ج. ۱، ص. ۱۳۳).

ابعاد صفت خشیت در سوره حشر

همانگونه که گذشت، سوره حشر صد و یکمین سوره در ترتیب نزول بعد از سوره بینه، و قبل از سوره نصر (معرفت، ۱۳۸۲، ج. ۱، ص. ۱۳۷)، در حدود سال چهارم یا پنجم بعد از هجرت به مدینه منوره (بلاغی، ۱۴۲۰، ج. ۸، ص. ۲۸)، در فاصله ای میان جنگ بدر و صلح حدیبیه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۲۴، ص. ۳۰۴). در سوره های پیش از حشر شاهد دور جدید هشدار به جامعه مؤمنان هستیم. هشدارهایی که گاه به مناسبت گفتار درباره مشرکان مکی یا کافران اهل کتاب و کافران مشرک بیان می شد. بیان نعمت های الهی و برحذر داشتن مردم از تکذیب و نادیده انگاری آنها، توجه ویژه به نعمت هدایت و قرآن و تبعیت از پیامبر ﷺ، توجه به آسیب های منفی کفر و نادیده گرفتن هدایت الهی، و... از جمله مهمترین معارفی است که چند سوره نازل شده پیش از سوره حشر قابل ملاحظه است. اما در سوره حشر با بیدارسازی مؤمنان از غفلت هایی چون: نهی از ترك مراقبه بر اعمال، عدم فراموشی یاد الهی، نهی از ترك صفت خشیت پروردگار، و... هشدار می دهد. همچنین آنان را به اهمیت قرآن و

اسما و صفات با عظمت خدا، وند متعال، که هر دو موجب تحول روحی و تقویت صفت خشیت از خدای متعالند، توجه می دهد (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص. ۴۴۷). از این رو تربیت خاشعانه مومنان در آیات سوره حشر، در ابعاد ذیل به تصویر کشیده شده است:

- مرحله اول: بیان اراده و قدرت پروردگار و عظمت او، ایجاد ترس در دل دشمنان اسلام، تلاش برای کسب حقیقت ایمان و رضایت الهی، عدم پیروی از منافقان، و... ایجاد ملکه خشیت در مومنان و تربیت خاشعانه ایشان را محقق می دارد.
- مرحله دوم: امر به تقوای الهی، توجه به قدرت الهی در خلق نظام خلقت و تبعیت نظام خلقت از او، تسبیح عمومی موجودات، معرفت به اسماء و صفات الهی، و... نیز عاملی مهمی در تقویت ملکه خشیت در مومنان و تربیت خاشعانه ایشان خواهد بود.

ایجاد صفت خشیت الهی در مومنان

مرحله اول از معارف سوره حشر، تربیت خاشعانه مومنان را «با ایجاد صفت خشیت» در ایشان، در ابعاد ذیل محقق داشته اند:

بیان اراده و قدرت الهی

پروردگار متعال با بیان صفات خویش در این آیات، تسلط و عظمت خویش بر نظام خلقت را به تصویر کشیده، همه چیز را تحت قدرتش دانسته، و هیچ چیز را خارج از دایر اراده او نمی داند. توجه به صفت اراده الهی در مواجهه با قدرت و عظمت او، سبب ایجاد صفت خشیت در مومنان می گردد. خشیتی که نه تنها به ترس از عذاب الهی، بلکه با احترام به عظمت الهی همراه است. از این رو در آیه: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/۱) با بیان تسبیح، عظمت و قدرت الهی، تنزیه پروردگار را شامل همه هستی (قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ج. ۱۱، ص. ۸۶)، تدبیر او را نشانه حکمتش دانسته (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۲۳۸)، و بر خشوع مومنان در برابر پروردگارشان

تاکید می‌دارد (سیدقطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۵۲۱). ارتباط متقابل خشیت و تسبیح، بدین معناست که تسبیح مربوط به عالم ملکوت بوده، و تسبیح هر موجود حکایت از خشیت او در برابر پروردگار دارد (اصفهانی، ۱۴۱۲، ج. ۱، ص. ۳۵۶). مرتبه‌های تسبیح (که همانا تسبیح قلبی است)، مربوط به کسانی می‌شود که بیشترین درجه شعور و فهم، و در واقع خشیت و ترس حقیقی از خداوند را داشته، و در نهایت به سعادت واقعی در جوار محبوب لایزال نائل می‌گردند.

علاوه بر آنچه گذشت، خداوند متعال به منظور ایجاد ترس در دل دشمنان اسلام، قدرت و اراده خویش را در مواجهه با آنان، با توصیف سرنوشت قوم یهود بنی‌النضیر به تصویر کشیده، و بر عظمت پروردگار و تسلط او بر سرنوشت انسان‌ها اینگونه تأکید می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ» (حشر/۲). بیان سرنوشت گذشتگان از جمله یهود، انسان را به تفکر در اعمالش، و نهایتاً خشیت در برابر پروردگار (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۲۳۵) و ترس از شقاوت و عذاب دشمنان اسلام (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۲۰، ص. ۱۸۹) وادار می‌دارد.

چراکه خداوند قادر کسانی را که به او کفر ورزیده‌اند، عذاب کرده: «وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ» (حشر/۳)، از سرزمین‌هایشان بیرون راند. اراده و قدرت الهی در عذاب (دنیوی یا اخروی)، دشمنان اسلام موجب می‌شود، مومنان با آگاهی و معرفت از این اراده و قدرت الهی، در برابر او سر خشیت فرو آورد (زمخشری، ۱۴۱۷، ج. ۴، ص. ۵۰۰). اما براساس عدالت الهی، عدم توجه به قدرت و اراده الهی عذاب و عقابی سخت را به دنبال خواهد داشت: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر/۴). بنابر آنچه بیان شده، حتی خشیت از عقاب خداوند نیز می‌تواند موجب ایمان شخص به خدا و اوصاف او

(چون: قادر، عالم، شدید العقاب) شود. بنده در این حالت پروردگار را حاضر و ناظر بر اعمال خویش یافته، آماده خشوع و خضوع در برابر پروردگار می گردد (مصباح یزدی، ۱۴۰۱، ص. ۹۳).

عذاب و خواری فاسقان به عنوان تأکیدی بر مجازات های الهی برای ظلم و فسادشان مورد اشاره پروردگار قرار گرفت: «مَاقَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ» (حشر/۵). مشاهده عذاب های الهی، خشیت را در دل افراد تقویت کرده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۲۴، ص. ۳۱۶)، و آن ها را به تفکر و توبه سوق می دهد (الحسینی الخامنه ای، ۱۴۰۱، ص. ۵۸). خداوند متعال به صراحت فسق را مهم ترین عامل در ایجاد سنگدلی بشر معرفی کرده است: «فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حشر/۱۶). فسق و خشیت علیرغم کنار هم بودن، در تقابل یا یکدیگر قرار دارند. بدین معنا که دل یا خشیت الهی دارد و یا فاسق است.

بنابراین تبیین اراده و قدرت الهی، اطاعت پروردگار، تبعیت از رسول الله ﷺ، و درواقع تقویت ایمان و خشیت و ترس از خداوند را به دنبال دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۵، ص. ۲۰۶): «وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/۶-۷). اطاعت پذیری واقعی هنگامی تحقق می یابد که مبتنی بر ایمان حقیقی، و توأم با تقوای الهی باشد. زیرا با استمرار اطاعت و تبعیت از خداوند و رسولش ﷺ، سطح کیفی معرفت، خشیت و اطاعت پذیری در بندگان را افزایش خواهد داد.

تلاش برای کسب حقیقت ایمان و رضایت الهی
مؤمنان با پیروی از اوصاف نیکوی یکدیگر به هم کمک می کنند تا در مسیر تقوا، که همان پرهیز و احساس ترس و خشیت است، قرار گیرند. خداوند متعال ویژگی سه گروه از مومنان صادق (مهاجران، انصار، تابعان) را ایمان و تقوا، فداکاری و ایثار، وفاداری به اصول و دوری از رذایل اخلاقی

بر شمرده است. این ویژگی‌ها با حقیقت ایمان مرتبط است (قرطبی، ۱۴۱۷، ۸، ۲۸۸). خداوند در توصیف این عده (مهاجرین)، که خوف و خشیت خدا در دلشان بوده و برای رضایت، و رسیدن به رضوان الهی خانه و اموال خود را در مکه به فرمان رسول الله ﷺ و راحت طلبی دنیا را برای رسیدن به یک مقام و نعمت برتر (رضوان و خشنودی الهی) رها نموده، از رضای خدا پیروی کردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹، ۳۵۵): «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» (حشر ۸). علامت رضایت خدا از بنده همان مقام خشیت است: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه ۸). کسی که از خدا می‌ترسد، طبعاً در باطن قلبش ملزم به ربوبیت و الوهیت او، و در ظاهر هم ملازم با اعمال صالح است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۰، ۳۴۰).

خداوند در معرفی دسته دوم به ویژگی برجسته انصار که دوری از بخل (شح) و حرص است، اشاره می‌کند: «وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ» (حشر ۹). مومنان با تقوا الهی، خشیت را در دل خویش ایجاد کردند. مهمترین امراض قلبی می‌توان به حرص، حسد و بخل اشاره کرد که می‌تواند صفت حرص و طمع را در راستای مصلحت جان و تن خویش قرار داده و از آن به نحو مطلوب بهره‌برداری کند. بنابراین خداوند با اشاره به مومنان (انصار)، ایمان حقیقی را شامل افرادی می‌داند که از قلب سالم برخوردار بوده، و قلب خویش را معدن خشیت الهی قرار داده اند. مومنی که از جلال الهی خشیت دارد باید در برابر پروردگار اهل خشوع و خضوع بوده، با ذکر الهی و خشیت در برابر خداوند، بستر ساز نزول رحمت الهی قرار گیرد. نرمی و رقت قلبی که در اثر خشوع و خشیت در مومن پدیدار می‌شود، بستری مناسب برای گرایش آدمی به هر آنچه حق است می‌شود. دعای تابعین در آیه: «يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا» (حشر ۱۰) نشان‌دهنده خشیت مومنان از خداوند است. درک انسان از

عظمت و رحمت خداوند، موجب طلب مغفرت، و ایجاد خشیت در دل او می شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۹، ۵۰۹). دعا‌های مؤمنان نسبت به برادران خویش با هدف مشارکت، مساهمت، پاک کردن نفس از رسوب‌های کینه و حسد و دشمنی در برابر برادر دینی خویش بیان می شود: «رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر/۱۰). قطعاً با رأفت الهی، مومنان خواهند توانست کینه و حسد، و... نسبت به یکدیگر را از دل‌های خویش را زدوده، هرگز در برابر خداوند تکبر و استکبار نورزیده، همواره در حالت خضوع، خشوع، استغاثه و استعانت از پروردگار باشد.

عدم پیروی از منافقان

قلب منافق به دلیل آنکه کدورت‌ها و ظلمت‌های منافی با فطرت انسانی، همچون تعصب‌های جاهلی، اخلاق مذموم، حب نفس و جاه و... در خود انباشته است، قلبش مختوم و مسدود گشته، حق را به هیچ وجه نمی تواند قبول کند. حال آنکه مؤمن به سبب صفای باطنی قلبش، به خوبی پذیرای حق است (الموسوی الخمینی، ۱۳۷۸، ۵۳۴): «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ» (حشر/۱۱). در واقع قلب منافق خالی از خشیت الهی است. زیرا او به سبب دروغ‌گویی و نفاقش، از عذاب الهی نمی ترسد: «لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ» (حشر/۱۲). ایمان واقعی با صداقت و ترس از خداوند همراه است. اما کسی که نفاق دارد، از حقیقت دور بوده، به عواقب اعمال خود توجهی ندارند. این عدم خشیت و ترس از خداوند، نشانه ضعف ایمان آن‌هاست. هنگام نزول این آیات منافقین با همه تأکیدی که در حمایت خود از یهود بنی‌النصیر داشتند، هنگام کوچشان حمایتی از آنان نکرده، و حتی یک نفر با ایشان با همراه نشد. حال آنکه بسیاری از آنان خود از قبیله بنی‌النصیر بودند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹، ۳۶۶). خداوند نیز از نفاق دروغ‌گویی ایشان پرده برداشته، بر آن شهادت می دهد (الحسینی خامنه ای، ۱۴۰۱، ۱۵۶).

از پیامدهای دروغ، ترس است. منافق چون پایگاه اعتقادی ندارد همواره ترسان است. منافق نه تنها به مسلمین دروغ می‌گوید، بلکه به کفار نیز دروغ می‌گوید. اساساً نفاق با صدق جمع نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ۷۶، ۳۱۳). برعکس منافقان، صداقت و پرهیز از کذب از صفات مومنان است. ترس منافقان از غیر خدا نشان‌دهنده ضعف ایمان و عدم اعتماد به پروردگار است. این ترس او مانع از ایجاد خشیت واقعی نسبت به خداوند است: «لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ» (حشر/۱۳). تفاوت میان خشیت و رهبت، آن است که گرچه رهبت ترس طولانی و مستمر است؛ اما خشیت با دربرداشتن بار ارزشی افزون‌تر، ترسی از بزرگی و عظمت الهی را شامل می‌شود که عبد به کرنش در برابر پروردگار واداشته، نهایت آرامش و طمأنینه را برای او به ارمغان می‌آورد.

ایجاد این آرامش و طمأنینه در قلب فرد مومن از خشیت و ترس الهی، تقویت ایمان در قلوب مومن را در پی داشته، با تقویت ایمان در فرد مومن، حس مسئولیت‌پذیری، یادآوری مداوم از خداوند و روز قیامت، اتحاد و همبستگی در قبال دیگران، و... در بعد اجتماعی مومنان را فراهم می‌دارد. حال آنکه فرد منافق به دلیل دوگانگی در رفتار و گفتارش، در اجتماع نیز موجب تفرقه، و عدم اتحاد و همبستگی در میان آحاد جامعه خواهد شد (الحسینی‌الخامنه‌ای، ۱۴۰۱، ۱۵۹). حتی اگر اتحاد و استحکامی هم در میان منافقان مشاهده شود، ظاهری و دروغین است: «بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (حشر/۱۴). شدت و قدرت تفرقه و نفاق منافقان در میان خودشان و کفار زیاد است، زیرا دل‌های آنان از نور ایمان تهی است (همان، ۱۶۲). در مقابل تشمت و پراکندگی کفار و منافقان، اتحاد مؤمنان قرار دارد.

علاوه بر آن خداوند متعال در سوره حشر به عواقب اعمال نادرست و نافرمانی‌ها (یهودیان) اشاره دارد، یادآور عذاب الهی درباره آنها نیز شده است: «كَمْثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (حشر/۱۵). خشیت و ترس عامل خشوع در برابر پروردگار بوده، معمولاً

خوف و خشیت از خدا، ناشی از ترس از عذاب جهنم است. بدین معنا که حالت خشوع در برابر خداوند نیاز به این دارد که عوامل برانگیزاننده خوف و خشیت از خداوند به باور آید، تا با توجه کامل به آنها، حالت خشیت و فروکاستن، شکستن، خودباختگی در برابر پروردگار، پدید آید. حالت ترس از آخرت و عذاب های آن، به خصوص اگر مانع ارتکاب گناهان شود، مساوی با دست یافتن به مقام و منزلت والایی است که بالاترین مرتبه آن، منزلگاه اولیای خاص خداوند است. برای رسیدن به این جایگاه مهم شخص باید به خدا و اوصاف او ایمان حقیقی داشته باشد.

خداوند ضمن تشبیه داستان منافقان و شیطان (برائت هر دو از وعده های دروغین داده شده) به توصیف حال کسانی می پردازد که از شیطان پیروی می کنند: «كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (حشر/۱۶). فراگرفتن وسوس شیطان، موجب غفلت از عظمت و سلطه خداوند شده، با کاهش خشیت الهی در دلها، انسان را در معرض خطرات روحی و معنوی قرار می دهد. منافقان با فریب دادن بنی النضیر مبنی بر نصرت ایشان، به وعده خویش عمل نکردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹، ۳۶۹).

توجه انسان به عواقب اعمال می تواند او را به تفکر در مورد رفتارها و نیت های خود وادار کند. این ترس از عذاب الهی و عواقب سوء اعمال، می تواند انسان را به سمت تقوا و پرهیز از گناه سوق دهد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۲۸، ۱۱۰) و او را در مسیر درست هدایت کند: «فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنْتَهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ» (حشر/۱۷). عاقبت همکاری کفر و نفاق، و شیطان و یارانش، شکست و ناکامی و عذاب دنیا و آخرت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۳، ۵۴۷). لزوم توجه به عظمت خدا، هراس و باور به ربوبیت الهی، زمینه ساز خشیت، و ابهت خدا را بر دل مومنین می شود.

تقویت صفت خشیت الهی در مومنان

در مرحله دوم آیات سوره حشر، تربیت خاشعانه با بیان راه های «تقویت صفت خشیت» پیگیری شده است. ابعاد آن بدین قرار است:

امر به تقوای الهی

سوره حشر با طرح مخالفت‌ها، دشمنی‌ها و عهدشکنی‌های یهودیان بنی النضیر، خسران آنان در دنیا و آخرت را انداز می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹، ۳۷۳). خداوند متعال برای مومنی که صفت خشیت در او وجود دارد، با ذکر هشدارهایی، تقویت صفت خشیت را به او اینگونه گوشزد می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ» (حشر/۱۷). پروردگار با امر الهی به مومنان در اینکه تقوا الهی را پیش گرفته، به یاد خدا باشند، از او بترسند، صفت خشیت را در ایشان تقویت می‌دارد. امر به تقوا در این آیه تکرار شده: «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر/۱۷)، تقوای اول برای توبه از گناهان گذشته، و تقوای دوم به پرهیز از گناهان در آینده اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۴، ۳۴۳).

خشیت صفت اهل تقواست، زیرا با وجود تقوا، خشیت هم وجود داشته، و تقوا مکمل خشیت است. خشیت با درک عظمت الهی سبب می‌شود علاوه بر آنکه خدامداری در انسان حاصل گشته، تقوا و خداداری نیز در او به سوی کمال تکمیل گردد. اندرزهای فوق به مؤمنان با هشدار نسبت به عدم غفلت و فراموشی خداوند، فرد را به مراقبه و محاسبه وامی‌دارد. عدم غفلت و فراموشی از یاد الهی گاهی با زبان امر بیان شده، گاهی به زبان نهی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۷، ۴۳): «وَلَا كُفُونًا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ» (حشر/۱۹). این ذکر و یادآوری پروردگار فرد را به سوی تقوا و پرهیز از گناه سوق داده، صفت خشیت را در دل او تقویت می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹، ۳۷۹). چراکه قلب‌های غافل از یاد خدا، مستعد هرگونه انحراف هستند (آریان، ۱۳۸۶، ۲۰۴).

خداوند متعال به همین مقدار اکتفا نکرده، بلکه در این راستا الگویی را برای مؤمنان معرفی می‌دارد که به تاسی از آن صفت خشیت نیز در مومن را تقویت شود: «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ» (حشر/۲۰). فائزون تقوا پیشگان مهاجرین، انصار و تابعین هستند که نفس خویش را از بخل دور داشته، مطیع حکم خداوند (الحسینی الخامنه ای، ۱۴۰۱، ۱۷۶)

؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ۱۱، ۹۶). در واقع فاتزون کسانی اند که با خشیت و تقوی الهی، مطیع امر خدا و رسولش ﷺ می باشند. منافقان در مقابل این گروه هستند.

توجه به قدرت الهی در خلق نظام عالم

خداوند متعال به منظور تقویت صفت خشیت در مومنان، با تصویرسازی از نظام خلقت، از یک سو قدرتش را بیان داشته، از سویی دیگر فرمان پذیری نظام عالم از خویش را مطرح می دارد: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر/۲۱). کوهها با آن همه استقامتشان، در برابر کلام الهی به لرزه در می آیند، تفکر در این مثلها، انسان را به خشیت در برابر پروردگار وامی دارد (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲، ۷۵). به عبارتی دیگر کلام قرآن به قدری نافذ است که اگر بر کوهها نازل می شد، آنها را تکان می داد. حال آنکه انسان سنگدل کلام الهی را می شنود، ولی تکان نمی خورد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹، ۳۸۰): «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر/۲۱). حاصل آنکه تمام موجودات در نظام عالم دارای نوعی درک و شعورند، که اگر آیات الهی بر آنان نازل شود، در برابر کلام الهی به صورت عملی خاشع خواهند شد (انصاری، ۱۴۰۸، ۵۲).

همچنین عظمت و برتری خلقت انسان نسبت به سایر موجودات، گویای آن است که از انسان کارهایی برمی آید که آسمان و زمین و سلسله کوهها تاب تحمل آن را ندارد. از این رو قوه خشیت در او به ودیعه نهاده شده، اما نه در مقابل هر کس و هر چیز، بلکه باید در مقابل ذات باری تعالی باشد. پذیرش این خشیت توسط قلب نتیجه تفکر در آیات الهی موجود در نظام خلقت است.

معرفت به اسماء و صفات الهی

خداوند متعال در سوره حشر ضمن برشمردن اسماء حسناى خود، تسلط و قدرت و علمش را بر تمام هستی به نمایش گذاشته و از این طریق تقویت صفت خشیت در مومنان را پی جویی کرده است: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/۲۲-۲۴). تمام هستی تابع فرمان الهی بوده، و این تبعیت همچون سنتی در تمام عالم، و در گذشته و حال و آینده، جریان مستمر دارد. معرفت به اسماء و صفات الهی، از سویی صفت خشیت الهی را در مومنان تقویت می‌کند، زیرا اوست که دارای بهترین اسماء، و منزّه از هر نقصی است. از سویی دیگر ذکر خداوند با اسمای حسناى الهی و با هر اسمی از اسمای کمال او، بنده مومن را به نقصی که در خویشتن در مقابل آن کمال است، گوشزد می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۷، ۵۶). شاید از همین‌روست که علت خشوع کوه و متلاشی شدن آن، ترس خدا بیان شده است: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر/۲۱). انسانی که متوجه ربوبیت فراگیر خداوندست، همواره او را ناظر در همه چیز دیده، می‌کوشد تا در همه چیز از او تبعیت کرده، تقوای الهی را پیشه خود سازد. مسئله ربوبیت مطلقه الهی، عاملی مهمی است که در دل انسان خشیت الهی را تقویت داشته، نمی‌گذارد تا برخلاف خواسته الهی قدم بردارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۳، ۵۵۹). خشیت الهی از صفات مؤمنانی است که در دنیا همواره از جلال الهی در هراس بوده، و امید به جمال الهی، از جلال الهی می‌هراسند، آنان نسبت به مسایل دنیوی اندوهگین نشده، خوف و ترسی ندارند. هر چه ایمان در انسان قوی‌تر شود، عبودیت و خشیت الهی در او افزایش یافته، و به نوعی از اطمینان و آرامش دست می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹، ۷۰). بنابراین خشیت نسبت به پروردگار و جلال و جبروت او امری پسندیده، و عاملی مهم در رشد و تکامل بنده به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

خشیت، بیم همراه با آگاهی نسبت به عظمت و قدرت الهی، از جمله صفات مهمی الهی است که در قرآن کریم به آن تأکید شده است. معارف سوره حشر به‌منظور تربیت خاشعانه مومنان در دو

مرحله، ضمن ایجاد صفت خشیت الهی با بیان عظمت، سلطه و هئیت پروردگار، امر به تبعیت از اوامر و نواهی الهی کرده، و تقویت صفت خشیت الهی را با شناخت خداوند از طریق صفات و اسما الحسنی الهی در مومنان میسر داشته است.

سوره حشر در مرحله اول از آموزه‌هایش با تبیین اراده الهی در معرفی پروردگار از طریق نام‌ها و صفات او، درک عظمتش، خطر منافقان و پیوند آنان بر ضد اسلام، ایجاد ترس در دل بنی‌النضیر از سوی خداوند، به‌گونه‌ای که با دست‌های خود خانه‌هایشان را ویران کرده و فرا کردند، و... ایجاد صفت خشیت الهی در مومنان مطرح می‌دارد.

آموزه‌های سوره حشر در مرحله دوم، با معرفی قرآن به‌عنوان کتابی متجلی اسماء و صفات الهی، امر به تقوای الهی، توجه به قدرت الهی در خلق نظامن عالم، تسبیح عمومی موجودات عالم، تاثیر قرآن در پاکسازی روح و جان آدمی، و... راه‌های تقویت صفت خشیت الهی را در سایه درک عظمت الهی در مومنان تبیین داشته است.

معرفت، شناخت و درک بزرگی خداوند با خشیت عباد در برابر پروردگار محقق می‌شود. بیان قدرت و تسلط خداوند بر همه موجودات و پدیده‌های جهان، مؤمنان را به تفکر و تأمل در عظمت الهی دعوت داشته، این درک عمیق از قدرت خداوند، باعث ایجاد خشیت و ترس از او در مؤمنان می‌شود. ایجاد و تقویت صفت خشیت در مؤمنان نه تنها در دنیا باعث تقویت ایمان و پرهیز از گناه شده، بلکه در آخرت نیز راهنمای مؤمنان به سوی سعادت و رستگاری هستند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۱۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامی.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- انصاری، عبد الله (۱۴۰۸ق)، منازل السائرین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- آریان، حسین (۱۳۸۶ش)، خشیت و خوف از دیدگاه قرآن و عرفان، نشریه ادیان و عرفان، شماره ۱۴، صص ۱۹۳-۲۱۶.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- الباقی، محمد فواد (۱۳۹۹ش)، المعجم المفهرس الالفاظ القرآن الکریم، تهران، نشر ژکان.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دارالتراث العربی.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰ش)، التعریفات، تهران، ناصر خسرو.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶ش)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- الحسینی الخامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۱ق)، تفسیر سوره حشر، تهران، نشر انقلاب اسلامی.
- حیری، اسماعیل بن احمد (۱۳۸۰ش)، وجوه القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- _____ (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم، جامعه مدرسیں حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم، نشر هجرت.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب السلامه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۷ق)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۴۰۱ق)، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره).

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۲ش)، تاریخ قرآن، تهران، سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- الموسوی الخمينی، روح الله (۱۳۷۸ش)، آداب الصلاه، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین.
- سیدقطب (۱۴۲۵ق)، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
- بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۸۷م)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دارإحياء التراث العربی.

